

چالش هایی که کرونا به وجود آورد....



طی دو سال گذشته در جریان کرونا و تزریق واکسن، جامعه با چند دیدگاه مخالف مواجه شده است. گروه اول: این گروه که از مهم‌ترین گروه‌های مخالف وجود کرونا و تزریق واکسن هستند؛ به دلیل اختلافات مبانی در خصوص علم، حتی با اصل کرونا و تزریق واکسن مخالف هستند. این گروه بر این باورند که بیماری کرونا و تزریق واکسن جهت پیشگیری از این بیماری با مبانی علمی آن‌ها ناسازگار است.

گروه دوم جریان شیعه‌ی انگلیسی هستند که در هر موضوعی به مقابله با نظام برمی‌خیزند. این جریان برای دستیابی به اهداف خود، از دین به عنوان یک ابزار استفاده می‌کنند و دین را به عنوان یک امر غیر معقول و تعبدی به جامعه تحمیل می‌کنند.

گروه سوم برخی از طرفداران طب سنتی هستند که از واژه طب اسلامی برای تعریف خود استفاده می‌کنند. این گروه بارها در مقاطع مختلف گفته‌اند به طب جدید و آکادمی اعتمادی ندارند. آن‌ها ادعای بزرگی می‌کنند و معتقدند که درمان فقط در طب اسلامی است و فقط نسخه‌های آن‌ها توانایی درمان همه بیماری‌ها را دارد. لذا برخی نسخه‌های آن‌ها برای درمان بیماری‌ها پشتوانه علمی ندارد.

گروه چهارم جریان ضد انقلاب‌ها و مخالفین سیاست‌های نظام هستند. این گروه به هر بهانه‌ای در صدد مخالفت با نظام هستند.

گروه اول؛ مخالفان تئوریک

دسته‌ای از مخالفین کرونا و تزریق واکسن، کسانی هستند که وجود ویروس کرونا مبانی آن‌ها را به چالش کشیده است. این گروه که ولایی و انقلابی هستند، وجود ویروس کرونا و به تبع آن تزریق واکسن را با مبانی

خود سازگار نمی‌بینند. لذا وقتی مقام معظم رهبری تذکرات و توصیه‌هایی در مورد مقابله با کرونا و تزریق واکسن می‌کنند، آن‌ها دچار سردرگمی می‌شوند. وقتی دلیل این تعارض را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم این افراد در خصوص علم سه مسئله را مطرح می‌کنند:

۱- این گروه در حوزه چپستی علم، بر خلاف مشهور، علم را کشف واقع نمی‌دانند و به همین دلیل معتقدند مطابقت و عدم مطابقت ملاک صدق و کذب نیست، بلکه بر این باورند که ملاک علم حق و باطل است. آن‌ها معتقدند در صورتی که قضیه‌ای بر محوری ولایت الهی شکل گرفته باشد و انگیزه و اراده عالم در آن قضیه با ولایت الهی همراه باشد، آن علم و حق است و الا جهل و باطل می‌باشد! به همین دلیل اولین مساله آن‌ها قضیه «ویروس کرونا موجود است» می‌باشد! چون این قضیه توسط متخصصینی کشف و اعلام شده است که دارای انگیزه‌های الهی نیست. لذا از نگاه آن‌ها این قضیه علم نیست و جهل می‌باشد. بنابر این این افراد باید نسبت خود را با این قضیه روشن کنند که آیا در واقع کرونا بی وجود دارد یا ندارد.

۲- این گروه دینداری را فقط در اجرای احکام نمی‌دانند. آن می‌گویند اجرای احکام نازلترین مرتبه دینداری است و اصل دینداری ولایت‌مداری است. ایشان بر این باورند که گوهر دین، ولایت است و در دینداری، اصالت با ولایت است.

۳- مسئله سوم نگاه روش این گروه در علم دینی است. این افراد در دین‌شناسی می‌گویند هر علمی که از ولایت الهی بهره‌مند است و به لحاظ روش، با کتاب و سنت ارتباط منطقی داشته و حجیت خود را از این طریق کسب کند، این علم، دینی و حق است. مثل حجیت خبر واحد که در اصول می‌گوییم چون حجیت آن از طریق سنت به دست آمده، می‌تواند مستند در فتوای فقهی باشد. آن‌ها معتقد هستند هر علمی که مسیر خود را با این روش طی کند علم و حق محسوب می‌شود.

همانگونه که بیان شد این گروه بر خلاف مشهور که ملاک علم را کشف از واقع و مطابقت با آن می‌داند، ملاک علم را حق و باطل می‌داند و می‌گویند معلوم بایستی با آموزه‌های دینی تناسب داشته باشد. لذا انکشاف در علم را در صورتی می‌پذیرند که انکشاف به معنای تناسب باشد. یعنی یک قضیه با دیگر قضایای دینی تناسب داشته باشد.

نتیجه این که بر اساس دیدگاه این گروه، مومن و کافر؛ و صالح و طالح، واقعیت را به دو گونه می‌فهمند؛ فهم یکی حق و دیگری باطل است.

طی دو سال گذشته، این گروه با دو چالش مواجه شده‌اند: چالش نخست قضیه «کرونا وجود دارد» است و قضیه دوم «یکی از راه‌های مقابله با کرونا تزریق واکسن است» می‌باشد. کشف این دو قضیه و توصیه‌ی آن‌ها عمدتاً توسط متخصصینی عنوان می‌شود که با انگیزه‌های الهی این قضایا را عنوان نمی‌کنند. حال واکسنی که باطل و جهل است، چگونه می‌تواند سلامتی را که یک واقعیت است، تحقق بخشد؟! و ویروس کرونا را به مومن و غیرمومن تقسیم کرد.

تعریف مشهور علم، کشف واقع است. یعنی اگر از واقع انکشاف باشد علم تحقق می‌یابد و اگر انکشاف نباشد، علم هم نیست؛ چون از مجهول مطلق خبری داده نمی‌شود. پس آگاهی از کرونا زمانی حاصل می‌شود که

مصدیقی از آن وجود داشته باشد. به عبارتی دیگر باید فرد مبتلا به کرونا وجود داشته باشد تا شناختی از کرونا محقق شود. بنابر این اگر انکشاف و تطابقی باشد علم هم ایجاد می‌شود. چون علم، کشف از واقع کرده است. حالا می‌گوییم: اگر تطابق نباشد، انکشافی هم نیست. مثلاً اگر شما قائل شوید که گل گاوزبان برای سرماخوردگی موثر است، ولی اگر در واقع این گیاه اثرگذار نباشد در واقع باور شما کشف از واقع نیست. بنابر این علمی هم وجود ندارد و آنچه هست، جهل است! اما گروه فوق الذکر، وجود کرونا و مساله واکسن و تاثیر آن در پیشگیری، مبانی آن‌ها را بر هم ریخته است. از این‌رو به مقابله با کرونا و تزریق واکسن می‌پردازند و بر آن ایراداتی را وارد می‌کنند.

گروه دوم شیعیان انگلیسی

گروه دیگری که رفتارشان تابع مبانی عقلی و اسلامی نیست، گروهی معروف به شیعه انگلیسی هستند. اینان که سر در آخور انگلیس دارند و از هر پدیده‌ای می‌خواهند برای مخالفت با جمهوری اسلامی استفاده کنند. اکنون که جمهوری اسلامی در مبارزه با شیوع کرونا اقداماتی را انجام داده و توفیقات قابل توجهی در تولید واکسن به دست آورده است. از آنجایی که این گروه همواره می‌خواهد انقلاب اسلامی را یک حرکت ضددینی و ضد شیعی می‌معروفی کند موضوع کرونا را نیز دست‌آویز خود قرار داده و از آن به عنوان مقابله جمهوری اسلامی با انجام مراسم مذهبی و عزاداری و حتی نسل‌کشی شیعه تعبیر می‌کنند.

گروه سوم: مدعیان طب اسلامی

گروه سوم مدعیان و طرفداران طب اسلامی هستند. از آنجایی این افراد معتقدند شفا هر بیماری در مخزن اسرار و علوم خدا و اهل بیت قرار دارد و همه علوم از جمله طب هم نزد آن‌ها است و با آن می‌توان بیماری‌ها را درمان کرد و هیچ نیازی به طب جدید نیست. افراطی‌های این گروه، حتی طب سنتی و گیاهی و ایرانی را هم نمی‌پذیرند و دوست دارند با طب اسلامی مشکلات را حل کنند و جای دارو و جراحی را بگیرند و از همین رو با مقابله با کرونا از طریق تزریق واکسن و شیوه‌های جدید درمان کرونا مخالفت می‌کنند.

گروه چهارم: مخالفان انقلاب اسلامی

گروه دیگری سیاسیونی هستند که همیشه مخالف‌خوان نظام هستند و هر بار به بهانه‌ای با نظام و سیاست‌های آن مقابله می‌کنند. این گروه در این مدت هم به بهانه کرونا و واکسن با سیاست‌های نظام مخالفت کرده‌اند و هدف آنان اثبات ضعف و ناکارآمدی جمهوری اسلامی در مقابله و درمان کرونا به دلیل ایدولوژیک بودن این نظام و عدم همکاری آن‌ها با نظام بین‌الملل است.

سخن ما

این چهار گروه در شبکه‌های مجازی به مخالفت با کرونا می‌پردازند و از آن‌جا که برخی از این افراد ادعای ولایتمداری هم می‌کنند اما رفتار آن‌ها در این زمینه با سخنان و رفتارهای رهبری سازگار ندارد، دست به هیاهو و توجیهات عجیب و قریبی می‌زنند. مثلا درباره ماسک و حتی تزریق واکسن می‌گویند رهبری تقیه کرده یا تحت فشار بوده است!

در برابر این چهار گروه، باید گفت: در علوم طبیعی و تجربی، که مبتنی بر تجربه و مشاهده است باید به متخصصین این حوزه رجوع کرده و به بایدها و نبایدهای آن‌ها، پای‌بند بود. این روشی است که عقلا پذیرفته‌اند و به همین دلیل آن‌ها به این روش عمل می‌کنند. لذا معتقدیم که این رفتار عقلایی در مقام عمل برای ما نیز شرعا ایجاد حجیت می‌کند و مخالفت با آن از هیچ حجیتی شرعا و عقلا بهره‌مند نیست.

همچنین از متخصصین انتظار می‌رود اختلافات علمی و نظری خود را به عرصه اجتماع نکشاند و در همان محیط‌های علمی و با تضارب آراء به حل و فصل آن بپردازند تا موجب تشویش اذهان عمومی نشود.